

طی یک اتفاق از دست نیروهای عراقی می‌گریزند و به کردستان عراق و میان کردهای مسلمان موافق با دولت جمهوری اسلامی می‌روند. رزمنده ایرانی سپس خودسرانه نقشه حمله به اردوگاه را طراحی می‌کند (او ابتدا نقشه را می‌ریزد و سپس به فرمانده‌های قرارگاه رمضان خبر می‌دهد) از اینجا تا پایان فیلم، حوادث شخصیتها و روایت یکسره به فیلمسازی درمی‌غلطد. فصل تیرباران رشید در مقابل همسر و خانواده‌اش که همینطور بدون جهت کش می‌آید، حمله به اردوگاه و مقابله یک تنه

در برابر لشکر عراقیها و درگیری و انتقامجویی از افسر بازجو در فصل نهایی همگی با برخورداری از منطق سینمای حادثه‌پرداز و قهرمان‌پرور بدون انسجام و باورپذیری لازم به یکدیگر متصل می‌شوند. تنها ایده نئی فیلم (هایگاه میکروبی شیمیایی عراقیها) در زیر همه این درگیریها و زد و خوردها توان جذاب ساختن قصه را ندارد و جز در آغاز و پایان فیلم در بقیه فصلهای میانی رها می‌شود. جز اینها فیلم در معدود لحظاتی هم که از حادثه و زد و خورد خالی می‌شود، اسیر شعارزدگی و دیالوگهای

پر ادا می‌شود که گاه به بیانیه ضد جنگ فیلمساز تبدیل می‌شود. (دیالوگهای دکتر و اختلاف نظرش با رزمنده ایرانی) و گاه بدیهیات بی‌انگیزه را ادا می‌کند نظیر «جنگ تنها تفنگ در کردن نیست، گاه انسان با دانش خود دشمن را از پا در می‌آورد» لازم. جذاب کردن حوادثی چون اسارت، دخل و تصرف در واقعیات صرف و استفاده از تخیل و داستان‌پردازی هست، اما نه تا حدی که واقعیت فدای همه چیز بشود.

## چند نکته کوتاه درباره «تعطیلات تابستانی»

۴

بعضی حرکات کلیشه‌ای می‌تواند به عنوان بازیگر مناسبی در میدان بازیگری نقش‌های کودکان و نوجوان، قابل طرح باشد.

۵

تعطیلات تابستانی فیلمی معمولی، اما در خور توجه است. اثری است که دست کم باعث می‌شود کار بعدی سازنده‌اش را با کمی اشتیاق به تماشا بنشینیم.

حامد کلاه‌داری بازیگر نوجوان فیلم با ارایه بازی در دو نقش توانست خود را تا حدی بعنوان بازیگری که حداقل قابلیت انعطاف‌پذیری برای ایفای نقش‌های متفاوت را دارد، مطرح کند. کلاه‌داری نسبتاً به خوبی توانست تفاوت‌ها و ویژگی‌های دو قلوهای فیلم را به نمایش بگذرد که البته بی‌شک راهنمایی‌های کارگردان بی‌تاثیر نبوده است. کلاه‌داری با کمی هدایت و دوری از

### فرصتی برای قضاوت!

● پژمان کریمی

برای اشاره به برجسته‌ترین ویژگی تعطیلات تابستانی باید تعریف از جمله کهنه‌ترین تعاریف سینمایی را پیش کشید. آن تعریف به این شرح که: «آثار سینمای کودک و نوجوان به سه قسم شناخته شده است، آثاری برای کودک و نوجوان، آثاری درباره کودک و نوجوان و آثاری که به بهانه کودک و نوجوان عرضه می‌شود».

تعطیلات تابستانی زیر مجموعه قسم اول است بی‌آنکه به مانند اغلب آثار قسم مذکور به اقسام برشمرده دیگر بپهلوی بزند و به قولی از یکدستی فاصله بگیرد. بنا به همین تعریف، چه تماشاگر کودک و نوجوان و چه تماشاگر بزرگسال، تکلیف خودش را با فیلم می‌دانند، فیلم را می‌پذیرد و توقع عجیبی از فیلم ندارد. این‌گونه فیلمها معمولاً مجال قضاوت نهایی روشنی در اختیار تماشاگر کودک و نوجوان می‌گذارد، یا بعبارتی پیام فیلم را «شسته رفته» به خورد ذهن مخاطب می‌دهد.

۲

منتقدین بسیاری گفته و می‌گویند و نگارنده نیز همپای آنان معتقد است سینمای ایران، از بی‌داستانی رنج می‌برد، در این جا، بی‌داستانی مساوی «هستند» قلمداد نشده است، آنچه در نظر است، فقر دانش داستان‌نویسی فیلم است.

تعطیلات تابستانی، داستان دارد، داستان، آن نقطه شروع، افت و خیز منطقی ماجرای و نقطه پایانی دارد. حتی اگر فریدون حسن‌پور نویسنده و کارگردان فیلم، دو سال پیش اعلام نمی‌کرد که «من قصه نویسم» از همین فیلم اول او قصه‌نویس بودنش، قابل فرض می‌نمود.

۳

گفتیم: تعطیلات تابستانی داستان دارد، اما داستان آن، اشکال بزرگی دارد و آن «کهنگی» است. منظور از کهنگی، کهنگی قالب آن: «کمندی تشابه» (شبهات) است. قالبی که در خواهران غریب (کیومرث پوراحمد) و کمی عقب‌تر از آن دو نیمه سبب (کیانوش عیاری) شاهد بودیم. فراموش نکنیم داستان هر چقدر جذاب باشد و هر چقدر پرداخت سینمایی ماهرانه‌ای داشته باشد اما کهنگی قالب، حجاب سختی است که بر جذابیت‌های آن برآمده است.

